

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1- That shy ----- young man had turned into a confident adult.

- 1) shameless 2) self-assured 3) reserved 4) expressive

2- Students in colleges ----- a wide age range and exhibit very varying academic abilities and communication skills.

- 1) obtain 2) distinguish 3) insert 4) encompass

3- Wanting to make a good impression, he found himself in a ----- about the right color suit to wear to the business meeting.

- 1) quandary 2) deficiency 3) priority 4) repute

4- Ted fell asleep during the movie because it had a very ----- plot.

- 1) invalid 2) monotonous 3) impure 4) controversial

5- After running an early 5K race, Simone ----- devoured hearty breakfast.

- 1) beneficially 2) dramatically 3) voraciously 4) generously

6- Heavy rains in March ----- the drought conditions.

- 1) revealed 2) envisioned 3) accelerated 4) alleviated

7- He argued that he was not ----- because there was other work available within the terms of his contract of employment.

- 1) sluggish 2) redundant 3) diligent 4) clumsy

8- The ----- of the monument took five years to complete.

- 1) restoration 2) improvisation 3) invasion 4) enforcement

9- He was found guilty and ----- to life imprisonment.

- 1) convicted 2) imposed 3) compelled 4) accused

10- The entire east wing of the building was ----- in the fire.

- 1) aggravated 2) prohibited 3) demolished 4) renovated

پاسخ آزمون شماره ۱۶

۱. گزینه «۳» سخت

« آن جوان تودار خجالتی، تبدیل به یک بزرگسال با اعتماد به نفس شده بود.»

(۱) shameless: بی حیا، بی شرم

(۲) self-assured: از خود مطمئن، معتمد به نفس

(۳) reserved: (آدم) تودار

(۴) expressive: گویا، پرمعنی

۲. گزینه «۴» سخت

« دانشجویان در کالج ها طیف سنی گسترده‌ای را شامل می‌شوند و توانایی‌های دانشگاهی و مهارت‌های ارتباطی بسیار متفاوتی را از خود نشان می‌دهند.»

(۱) obtain: به دست آوردن، وجود داشتن

(۲) distinguish: تشخیص دادن، تمیز دادن

(۳) insert: قرار دادن، وارد کردن

(۴) encompass: شامل شدن، شامل بودن

۳. گزینه «۱» متوسط

« او که می‌خواست تاثیر خوبی بگذارد، در مورد رنگ مناسب کت و شلوار برای پوشیدن در جلسه کاری، در دوراهی قرار گرفت. (مثلاً نمیدونست سُرْمه‌ای بپوشه بهتره یا مشکی)»

(۱) quandary: دوراهی، وضع دشوار

(۲) deficiency: کمبود، نقص

(۳) priority: اولویت، حق تقدم

(۴) repute: شهرت، آوازه، اعتبار

۴. گزینه «۲» متوسط

« تد در طول [تماشای] فیلم به خواب رفت زیرا [آن فیلم] موضوع بسیار کسل کننده‌ای داشت.»

(۱) invalid: نامعتبر، نادرست، ناتوان

(۲) monotonous: خسته کننده، کسل کننده

(۳) impure: ناخالص، ناپاک

(۴) controversial: بحث برانگیز، جنجالی

۵. گزینه «۳» سخت

« سیمونه پس از اجرای یک مسابقهٔ زودهنگام ۵ کیلومتری، به طور حریصانه صبحانهٔ مفصلی را با ولع خورد. »

(۱) beneficial: سودمند، مفید

(۲) dramatically: به طور چشمگیر

(۳) voracious: سیری ناپذیر، حریص

(۴) generous: سخاوتمند، سخاوتمندانه

۶. گزینه «۴» متوسط

« بارندگی‌های شدید در ماه مارس، شرایط خشکسالی را کاهش داد (از شدت خشکسالی کم کرد). »

(۱) reveal: فاش کردن، آشکار کردن

(۲) envision: تصور کردن

(۳) accelerate: سرعت دادن، شتاب گرفتن

(۴) alleviate: تسکین دادن، کاهش دادن، سبک کردن

۷. گزینه «۲» سخت

« او استدلال کرد که زائد و اضافی نبوده، زیرا در قرارداد کار وی، کار دیگری نیز در دسترس بوده است »

(۱) sluggish: کسل، کساد، کند

(۲) redundant: زائد

(۳) diligent: ساعی، کوشا

(۴) clumsy: دست و پا چلفتی، ناشیانه، بدساخت

۸. گزینه «۱» متوسط

« بازسازی [آن] بنای یادبود پنج سال به طول انجامید. »

(۱) restoration: ترمیم، بازسازی

(۲) improvisation: بداهه‌گویی، بداهه نویسی

(۳) invasion: تعرض، هجوم

(۴) enforcement: تحمیل، اعمال، اجرا

۹. گزینه «۱» آسان

« وی مقصر شناخته شده و به حبس ابد محکوم شد. »

(۱) convict: محکوم کردن

(۲) impose: تحمیل کردن

(۳) compel: وادار کردن، مجبور کردن

(۴) accuse: تهمت کردن

۱۰. گزینه «۳» متوسط

« در آتش‌سوزی، کل بال شرقی ساختمان، نابود شد. »

(۱) aggravate: خشمگین کردن، بدتر کردن

(۲) prohibit: منع کردن، اجازه ندادن

(۳) demolish: نابود کردن، شکست دادن

(۴) renovate: نوسازی کردن، مرمت کردن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1- She emanated worldliness and the selfishness of one who is ----- to everything but her own needs and caprices.

- 1) visible 2) compensatory 3) available 4) indifferent

2- Concrete blocks were piled high to ----- the government center.

- 1) fortify 2) reveal 3) circulate 4) overlap

3- All sound has three -----: pitch, volume, and duration.

- 1) impacts 2) merits 3) properties 4) realms

4- One of Britain's most ----- criminals has escaped from prison.

- 1) meritorious 2) notorious 3) indigenous 4) industrious

5- By the 1930s the wristwatch had almost completely ----- the pocket watch.

- 1) devised 2) thwarted 3) supplanted 4) founded

6- She cared for her stepmother with unfailing ----- throughout her long illness.

- 1) devotion 2) conformity 3) defect 4) prevalence

7- Ryan needed ----- agreement to bring his proposal up for a vote.

- 1) contentious 2) adjacent 3) deliberate 4) unanimous

8- With so much water having ----- its exterior, the engine was effectively ruined.

- 1) varnished 2) penetrated 3) inhabited 4) exceeded

9- Considering the ----- of his injuries, he's lucky to be alive.

- 1) hurdle 2) divergence 3) extent 4) symptom

10- They intend to keep their force there in the region to ----- compliance with the treaty.

- 1) verify 2) recollect 3) seize 4) conquer

بخش واژگان

۱. گزینه «۴» متوسط

« او از دنیاپرستی و خودخواهی کسی سرچشمه گرفت که نسبت به همه چیز به جز نیازها و هوس‌های خودش بی تفاوت است.»

(۱) visible: قابل رؤیت، مشهود

(۲) compensatory: جبران کننده

(۳) available: در دسترس، موجود

(۴) indifferent: بی تفاوت، متوسط

۲. گزینه «۱» سخت

« بلوک‌های بتونی روی هم انباشته شده بودند تا مرکز دولت را تقویت کنند.»

(۱) fortify: مستحکم کردن، تقویت کردن

(۲) reveal: فاش کردن، آشکار کردن

(۳) circulate: چرخیدن، به گردش درآوردن

(۴) overlap: همپوشانی داشتن، روی هم افتادن

۳. گزینه «۳» متوسط

« همه صدای دارای سه ویژگی است: ارتفاع صوت، میزان صدا و مدت زمان. »

(۱) impact: اثر، ضربه، اصابت

(۲) merit: مزیت

(۳) property: دارایی، ویژگی

(۴) realm: قلمرو، حوزه

۴. گزینه «۲» سخت

« یکی از بدنام‌ترین جنایتکاران انگلیس از زندان فرار کرده است. »

(۱) meritorious: سزاوار، شایسته، قابل ستایش

(۲) notorious: بدنام، بدآوازه

(۳) indigenous: محلی، بومی

(۴) industrious: پرتلاش، زحمت‌کش

۵. گزینه «۳» متوسط

« تا دهه ۱۹۳۰ ساعت مچی تقریباً کاملاً جایگزین ساعت جیبی شده بود.»

(۱) devise: تدبیر کردن، ابداع کردن

(۲) thwart: مانع شدن، جلوگیری کردن

(۳) supplant: جایگزین کردن، عوض کردن

(۴) found: تاسیس کردن، ساختن، راه انداختن

۶. گزینه «۱» سخت

« او در مدت بیماری طولانی نامادری اش، با فداکاری مداوم، از او مراقبت می کرد.»

(۱) devotion: فداکاری، وفاداری

(۲) conformity: انطباق، مطابقت

(۳) defect: اشکال، عیب، نقص

(۴) prevalence: شیوع، رواج

۷. گزینه «۴» متوسط

« رایان برای ارائه پیشنهاد خود برای رأی گیری، نیاز به توافق همگانی داشت.»

(۱) contentious: دعوایی، بحث برانگیز

(۲) adjacent: مجاور، همجوار

(۳) deliberate: فکر کردن

(۴) unanimous: هم رأی، همگانی

۸. گزینه «۲» متوسط

« با نفوذ زیاد آب به قسمت خارجی آن، موتور به طور مؤثری خراب شد.»

(۱) varnish: جلا دادن، روغن کاری کردن

(۲) penetrate: نفوذ کردن، فهمیدن

(۳) inhabit: زندگی کردن

(۴) exceed: تجاوز کردن، تخطی کردن

۹. گزینه «۳» متوسط

« با توجه به میزان جراحاتش، او خوش شانس است که زنده است. »

(۱) hurdle: مانع

(۲) divergence: واگرایی، انشعاب

(۳) extent: وسعت، محدوده، میزان

(۴) symptom: نشانه، علامت

۱۰. گزینه «۱» سخت

« آنها قصد دارند نیروهای خود را در منطقه حفظ کنند تا پذیرش پیمان را تأیید کنند. (تا مطمئن بشن که آنها

پیمان را می‌پذیرند).»

(۱) verify: تایید کردن، بررسی کردن

(۲) recollect: به خاطر آوردن

(۳) seize: تصاحب کردن، مصادره کردن، گرفتن

(۴) conquer: فتح کردن، شکست دادن

بهتر بود به جای seize در گزینه ۳، از کلمه دیگری استفاده شود.

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. Ancient alchemists believed that it was possible to lead into gold.
1) mingle 2) direct 3) transfer 4) transmute
2. Dan always beats me at chess because he develops such an game plan that I can never predict his next move.
1) eventual 2) ambiguous 3) elaborate 4) objective
3. His election as President represented the of his career.
1) summit 2) motivation 3) triangle 4) periphery
4. She found the job frustrating, and felt she wasn't anything there.
1) flourishing 2) accomplishing 3) evolving 4) satisfying
5. Britain's over its colonies was threatened once nationalist sentiment began to spread around the world.
1) hegemony 2) preference 3) compromise 4) independence
6. He all of his success to his mother's undying encouragement.
1) interprets 2) converts 3) attributes 4) results
7. You can the flavor of most dishes with the careful use of herbs.
1) initiate 2) impress 3) precede 4) enhance
8. The pirate Blackbeard had a reputation for being a harsh, man.
1) reliable 2) ruthless 3) perpetual 4) prevalent
9. Being a direct relative of the deceased, her claim to the estate was
1) prominent 2) profound 3) legitimate 4) reckless
10. There are more than thirty species of rattlesnakes, varying in length from 20 inches to six feet and also varying in of venom.
1) domination 2) detection 3) conquest 4) toxicity

بخش واژگان

۱. گزینه «۴» متوسط

« کیمیاگران باستان معتقد بودند که امکان تبدیل سرب به طلا وجود دارد. »

(۱) mingle: گرم گرفتن، مخلوط کردن، ترکیب شدن

(۲) direct: هدایت کردن، کارگردانی کردن، دستور دادن

(۳) transfer: انتقال دادن، منتقل شدن، واگذار کردن

(۴) transmute: تغییر ماهیت دادن، تبدیل کردن

۲. گزینه «۳» متوسط

« دن همیشه در شطرنج مرا شکست می دهد، زیرا او طرح بازی بسیار پیچیده ای ارائه می کند که من هرگز نمی توانم

حرکت بعدی او را پیش بینی کنم. »

(۱) eventual: نهایی، پایانی

(۲) ambiguous: مبهم

(۳) elaborate: با جزئیات، پیچیده، استادانه درست شده

(۴) objective: هدف، مقصود

۳. گزینه «۱» متوسط

« انتخاب وی به عنوان رئیس جمهور اوج حرفه اش را نشان می داد. »

(۱) summit: قله، اوج، جلسه

(۲) motivation: اشتیاق، انگیزه

(۳) triangle: مثلث، سه گوش

(۴) periphery: حاشیه، پیرامون

۴. گزینه «۲» سخت

« از نظرش [آن] شغل خسته کننده بود، و احساس کرد که در آنجا به چیزی دست نمی یابد. »

(۱) flourish: شکوفا شدن، رشد کردن

(۲) accomplish: به انجام رساندن، دست یافتن

(۳) evolve: تکامل یافتن، توسعه دادن

(۴) satisfy: راضی کردن، قانع کردن

دقت کنید که بعد از جای خالی، یک مفعول (anything) وجود دارد، یعنی در جای خالی باید فعلی قرار بگیرد که نیاز به مفعول داشته باشد، و گزینه های ۱ و ۳ به مفعول احتیاجی ندارند و نمیتوانند پاسخ صحیح باشند.

۵. گزینه «۱» سخت

« با شروع احساسات ملی گرایانه در سراسر جهان، تسلط انگلیس بر مستعمرات خود، مورد تهدید قرار گرفت. »

(۱) hegemony: چیرگی، تسلط

(۲) preference: ترجیح، اولویت

(۳) compromise: سازش، مصالحه

(۴) independence: استقلال

۶. گزینه «۳» متوسط

« او همه موفقیت خود را به تشویق‌های بی‌پایان مادرش نسبت می‌دهد. »

(۱) interpret: تفسیر و ترجمه کردن، درک کردن

(۲) convert: تبدیل کردن، تغییر رویه دادن

(۳) attribute: نسبت دادن

(۴) result: نتیجه دادن، منجر شدن

۷. گزینه «۴» سخت

« شما می‌توانید با استفاده دقیق از گیاهان عطر و طعم بیشتر غذاها را بهتر کنید. »

(۱) initiate: آغاز کردن، وارد کردن

(۲) impress: تحت تأثیر قرار دادن، اثر گذاشتن

(۳) precede: مقدم بودن، زودتر اتفاق افتادن

(۴) enhance: بهبود دادن، بهتر کردن

بهتر بود به جای کلمه impress در گزینه ۲، کلمه دیگری قرار می‌گرفت.

۸. گزینه «۲» متوسط

« دزد دریایی بلک‌برد، به مردی خشن و بی‌رحم شهرت داشت. »

(۱) reliable: موثق، قابل اعتماد

(۲) ruthless: بی‌رحم، ظالم، بی‌رحمانه

(۳) perpetual: همیشگی، دائمی

(۴) prevalent: شایع، رایج

۹. گزینه «۳» سخت

« ادعای وی در مورد املاک، که از نزدیکان متوفی بود، مشروع و قانونی بود »

(۱) prominent: برجسته، والا، مهم

(۲) profound: ژرف، عمیق

(۳) legitimate: برحق و درست، مشروع و قانونی

(۴) reckless: بی فکر، بی ملاحظه گرانه

۱۰. گزینه «۴» متوسط

« بیش از ۳۰ گونه مار زنگی وجود دارد که طول آنها از ۲۰ اینچ تا ۶ فوت متفاوت است و همچنین از نظر سمی

بودن زهر، متفاوت اند.»

(۱) domination: تسلط، سلطه

(۲) detection: شناسایی، کشف، بازرسی

(۳) conquest: تسخیر، تصرف، فتح

(۴) toxicity: سمیت، سمی بودن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. Understanding the world economic conditions, the recent graduates spoke ----- about job prospects for the future.
1) luxuriously 2) narrowly 3) warily 4) inaudibly
2. The English word "family used to ----- all the people in the house, including servants.
1) denote 2) participate 3) predict 4) ascertain
3. Greg's excellent poem won the ----- of his friends.
1) advent 2) access 3) apex 4) acclaim
4. Your eyes need approximately 20 to 30 minutes to ----- darkness.
1) account for 2) adjust to 3) take in 4) rely on
5. Critics condemned the novelist's ----- attempt to plagiarize Hemingway's story.
1) judicious 2) felicitous 3) discreet 4) brazen
6. When I had an awful sore throat, only warm tea would ----- the pain.
1) assimilate 2) mitigate 3) devastate 4) prescribe
7. I have always liked your positive attitude; it has always ----- affected our working relationship.
1) favorably 2) candidly 3) hastily 4) consciously
8. When the rain began to pour, the crowd at the baseball game quickly -----.
1) annihilated 2) uncovered 3) dispersed 4) pacified
9. Everyone in the family enjoys seafood, so my uncle's distaste for the salmon dish was an -----.
1) altercation 2) autonomy 3) anomaly 4) accolade
10. Denise ----- for weeks before she actually decided to accept the job offer.
1) squandered 2) precluded 3) regretted 4) vacillated

بخش واژگان

۱. گزینه «۳» سخت

« با درک شرایط اقتصادی جهان، فارغ‌التحصیلان اخیر در مورد چشم‌انداز شغلی برای آینده محتاطانه صحبت کردند. »

(۱) luxurious: لوکس، مجلل

(۲) narrow: باریک، تنگ

(۳) wary: مواظب، محتاط

(۴) inaudible: نارسا، غیر قابل شنیدن

۲. گزینه «۱» متوسط

« کلمه انگلیسی "family" قبلاً برای نشان دادن همه افراد خانه، از جمله خدمتکاران استفاده می‌شد. »

(۱) denote: معنی دادن، نشان دادن

(۲) participate: شرکت کردن، مشارکت داشتن

(۳) predict: پیش بینی کردن

(۴) ascertain: فهمیدن

۳. گزینه «۴» متوسط

« شعر عالی گرگ، باعث تمجید دوستانش شد. »

(۱) advent: ظهور

(۲) access: دسترسی

(۳) apex: قله، رأس

(۴) acclaim: ستایش، تمجید

۴. گزینه «۲» متوسط

« چشمان شما تقریباً به ۲۰ تا ۳۰ دقیقه زمان نیاز دارند تا با تاریکی سازگار شوند. »

(۱) account: در نظر گرفتن، توضیح دادن

(۲) adjust: تنظیم کردن، وفق پیدا کردن، سازگار شدن

(۳) take in: جذب کردن، دیدن، گول زدن، جا و مکان دادن و...

(۴) rely: تکیه کردن، اعتماد کردن

۵. گزینه «۴» سخت

« منتقدان، تلاش بی‌شرمانه آن [رمان‌نویس برای دزدی ادبی از داستان همینگوی را محکوم کردند. »

(۱) judicious: عاقلانه، عاقل

(۲) felicitous: مناسب، متناسب

(۳) discreet: محتاط، محتاطانه

(۴) brazen: بی پروا، بی‌شرمانه

۶. گزینه «۲» متوسط

« وقتی گلو درد شدیدی داشتم، فقط چای گرم درد را کاهش می‌داد. »

(۱) assimilate: یکی کردن، یکی شدن، جذب کردن

(۲) mitigate: تسکین دادن، کاهش دادن، سبک کردن

(۳) devastate: شوکه کردن، ویران کردن

(۴) prescribe: تجویز کردن، در نظر گرفتن

۷. گزینه «۱» سخت

« من همیشه نگرش مثبت شما را دوست داشتم. [نگرش شما] همیشه بر روابط کاری ما به طور مطلوبی تاثیر گذاشته است. »

(۱) favorable: مساعد، مطلوب، خواستنی

(۲) candid: صادق، راستگو، بی پرده

(۳) hasty: شتاب زده، عجول

(۴) conscious: هشیار، آگاه

۸. گزینه «۳» متوسط

« وقتی باران شروع به باریدن کرد، جمعیت در بازی بیس بال به سرعت متفرق شدند. »

(۱) annihilate: نابود کردن، ویران کردن

(۲) uncover: کشف کردن، سرپوش برداشتن

(۳) disperse: پراکنده کردن، متفرق شدن

(۴) pacify: آرام کردن

۹. گزینه «۳» متوسط

«همه افراد خانواده از غذاهای دریایی لذت می‌برند، بنابراین تنفر عمومی من از غذای ماهی قزل آلا یک خلاف قاعده بود.»

(۱) altercation: جر و بحث، مجادله

(۲) autonomy: خودمختاری، استقلال

(۳) anomaly: خلاف قاعده، ناهنجاری

(۴) accolade: تمجید، ستایش

۱۰. گزینه «۴» متوسط

«قبل از اینکه تصمیم بگیرد پیشنهاد شغل را بپذیرد، دنیس هفته‌ها مردد بود.»

(۱) squander: هدر دادن

(۲) preclude: مانع شدن، جلوگیری کردن

(۳) regret: پشیمان بودن، متأسف بودن

(۴) vacillate: مردد بودن، نوسان داشتن

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. The geology student made a surprising discovery; the volcano believed to be was about to erupt.
1) dormant 2) temporary 3) vulnerable 4) affable
2. We waited for the storm to before we left.
1) abase 2) abide 3) abate 4) abridge
3. The minister desired the position simply for the associated with it.
1) scope 2) status 3) feature 4) origin
4. The researcher made sure to check her measurements multiple times.
1) initial 2) vague 3) apposite 4) diligent
5. Denver's impractical plan to build a subway system was in 1970s.
1) surmised 2) scrapped 3) scattered 4) strived
6. such as hair color and eye color are inherited genetically from one's parents.
1) Traits 2) Dimensions 3) Enigmas 4) Omens
7. The company has \$1000 to the team to get the project started.
1) ascribed 2) bestowed 3) allocated 4) deposited
8. After a week the jury had still not reached a
1) status quo 2) sequence 3) suspect 4) verdict
9. Heavy rains had the expedition's progress through the north-west of the country.
1) abandoned 2) hindered 3) distressed 4) evaded
10. The rattlesnake is the most snake in the United States.
1) venomous 2) zealous 3) ancestral 4) haphazard

بخش واژگان

۱. گزینه «۱» متوسط

« [آن] دانشجوی زمین‌شناسی کشف شگفت‌انگیزی کرد. کوه آتشفشانی که خاموش تصور می‌شد، در شرف فوران بود.»

(۱) dormant: خوابیده، خاموش

(۲) temporary: موقت، زودگذر

(۳) vulnerable: آسیب پذیر

(۴) affable: خوشرو، خوش برخورد

۲. گزینه «۳» متوسط

« قبل از حرکت، منتظر فروکش کردن طوفان بودیم.»

(۱) abase: تحقیر کردن، پست کردن

(۲) abide: تحمل کردن، اطاعت کردن

(۳) abate: فروکش کردن، نشست کردن

(۴) abridge: خلاصه کردن

۳. گزینه «۲» سخت

« وزیر [آن] مقام را فقط برای جایگاه مرتبط با آن می‌خواست.»

(۱) scope: محدوده، حوزه، پتانسیل

(۲) status: جایگاه، موقعیت، وضعیت

(۳) feature: ویژگی، خصیصه

(۴) origin: اصل و نسب، منشاء

۴. گزینه «۴» متوسط

« [آن] محقق کوشا، مطمئن شد که اندازه‌گیری‌های خود را چندین بار بررسی کند.»

(۱) initial: اولیه، ابتدایی

(۲) vague: مبهم

(۳) apposite: مناسب، متناسب

(۴) diligent: ساعی، کوشا

۵. گزینه «۲» سخت

« برنامه غیر عملی دِنور برای ساخت سیستم مترو، در دههٔ ۱۹۷۰ کنار گذاشته شد. »

(۱) surmise: حدس زدن

(۲) scrap: کنار گذاشتن، اوراق کردن

(۳) scatter: پراکنده کردن، پخش شدن

(۴) strive: تلاش کردن، کوشیدن

۶. گزینه «۱» متوسط

« ویژگی‌هایی مانند رنگ مو و رنگ چشم به طور ژنتیکی از والدین فرد به ارث می‌رسد. »

(۱) trait: ویژگی، خاصیت

(۲) dimension: بُعد، اندازه

(۳) enigma: چیستان، معما

(۴) omen: علامت، نشانه

۷. گزینه «۳» سخت

« [این] شرکت برای شروع پروژه ۱۰۰۰ دلار به تیم تخصیص داده است. »

(۱) ascribe: نسبت دادن

(۲) bestow: اعطا کردن، دادن

(۳) allocate: تخصیص دادن، سهم دادن

(۴) deposit: سپرده گذاری کردن، ته نشین کردن، قرار دادن

بهبتر بود به جای گزینهٔ ۲، کلمهٔ دیگری قرار داده شود.

۸. گزینه «۴» متوسط

« بعد از یک هفته هنوز هیئت منصفه به حکمی نرسیده بود »

(۱) status quo: وضع موجود

(۲) sequence: توالی، دنباله، صحنه

(۳) suspect: مورد ظن

(۴) verdict: حکم، رأی، نظر

۹. گزینه «۲» متوسط

« باران شدید مانع پیشروی هیئت اعزامی از شمال غربی کشور شده بود. »

(۱) abandon: ترک کردن، رها کردن

(۲) hinder: مانع شدن، جلوگیری کردن

(۳) distress: مضطرب کردن

(۴) evade: طفره رفتن، فرار کردن، از سر باز کردن

۱۰. گزینه «۱» متوسط

« مار زنگی زهرآلودترین مار در ایالات متحده است. »

(۱) venomous: زهرآلود، کینه توز

(۲) zealous: مشتاق

(۳) ancestral: اجدادی، نیایی

(۴) haphazard: تصادفی، اتفاقی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

1. He accused the environmentalists of trying to public opinion in their favor.
1) summon 2) convoke 3) manipulate 4) rotate
2. He asserted that there's not a of truth in the story.
1) vestige 2) relic 3) forte 4) scar
3. The chairperson proudly announced that the keynote speaker at the conference would be the primatologist Jane Goodall.
1) eclectic 2) eminent 3) empirical 4) expedient
4. According to the experts, genetic is probably the most important factor in determining a person's health.
1) fragmentation 2) germination 3) reliance 4) inheritance
5. Plant cell and tissue culture the growth and maintenance of plant tissues in a nutrient medium.
1) approximates to 2) meddles in 3) involves 4) spreads
6. If the population continues to expand, Ehrlich argues, mass starvation and ecological disaster will be theconsequence.
1) introverted 2) inevitable 3) indiscriminate 4) insatiable
7. He's being kept in jail until the trial so that he can't any of the witnesses.
1) intimidate 2) vanish 3) discard 4) represent
8. The operation of the free market maintains an between supply, demand and price.
1) assent 2) inspection 3) affinity 4) equilibrium
9. Before you take calculus, you need more than a knowledge of algebra.
1) circumspect 2) mutual 3) rudimentary 4) transient
10. In 1784 Benjamin Franklin first suggested daylight savings time as a means of cutting down consuming candles.
1) of 2) on 3) for 4) in

بخش واژگان

۱. گزینه «۳» متوسط

« او حامیان محیط زیست را به تلاش برای بازیچه قرار دادن افکار عمومی به نفع خودشان متهم کرد. »

(۱) summon: احضار کردن

(۲) convoke: فراخواندن، برگزار کردن

(۳) manipulate: با مهارت انجام دادن، اداره کردن، بازیچه قرار دادن

(۴) rotate: جا به جا کردن، جا به جا شدن، چرخاندن، چرخیدن

۲. گزینه «۱» سخت

« او ادعا کرد که ذره‌ای از حقیقت در داستان وجود ندارد. »

(۱) vestige: اثر، رد و نشانه، ذره

(۲) relic: عتیقه، یادگار

(۳) forte: تخصص، خبرگی

(۴) scar: جای زخم

۳. گزینه «۲» متوسط

« رئیس با افتخار اعلام کرد که سخنران موضوع اصلی کنفرانس جین گودال، نخستینه‌شناس مشهور خواهد بود. »

(۱) eclectic: متنوع، منتخب

(۲) eminent: مشهور، معروف

(۳) empirical: تجربی، عملی

(۴) expedient: مصلحت، مصلحتی

۴. گزینه «۴» متوسط

« به گفته کارشناسان، احتمالاً وراثت ژنتیکی مهمترین عامل در تعیین سلامت فرد است. »

(۱) fragmentation: عمل تکه تکه شدن، قطعه قطعه شدن

(۲) germination: جوانه زنی، رویش

(۳) reliance: وابستگی

(۴) inheritance: وراثت، ارثیه

۵. گزینه «۳» سخت

« کشت سلول‌های گیاهی و بافتی، شامل رشد و نگهداری بافت‌های گیاهی در یک محیط مغذی است. »

(۱) approximate: تقریب زدن، نزدیک بودن

(۲) meddle: فضولی کردن، ور رفتن

(۳) involve: شامل شدن، شامل بودن، وارد کردن

(۴) spread: پخش کردن، گسترش یافتن

۶. گزینه «۲» سخت

« اریلیخ معتقد است اگر جمعیت به گسترش خود ادامه دهد، گرسنگی جمعی و فاجعه زیست‌محیطی پیامد اجتناب-

ناپذیری خواهد بود. »

(۱) introvert: فرد ساکت، درونگرا

(۲) inevitable: اجتناب ناپذیر، ناگزیر

(۳) indiscriminate: کورکورانه

(۴) insatiable: سیری ناپذیر، حریص

۷. گزینه «۱» سخت

« او تا زمان دادگاه در زندان نگهداری می‌شود تا نتواند هیچ یک از شاهدان را بترساند. »

(۱) intimidate: ترساندن

(۲) vanish: ناپدید شدن

(۳) discard: دور انداختن

(۴) represent: نشان دادن، نماینده بودن

۸. گزینه «۴» متوسط

« عملکرد بازار آزاد، تعادل بین عرضه، تقاضا و قیمت را حفظ می‌کند. »

(۱) assent: موافقت کردن

(۲) inspection: بازرسی، تفتیش

(۳) affinity: وابستگی، نزدیکی

(۴) equilibrium: تعادل، موازنه، آرامش

۹. گزینه «۳» متوسط

« قبل از اینکه درس حساب دیفرانسیل را بردارید، به بیش از دانش ابتدایی درس جبر، نیاز دارید.»

(۱) circumspect: محتاط، مواظب

(۲) mutual: متقابل، دوجانبه

(۳) rudimentary: ساده و ابتدایی، اولیه

(۴) transient: گذرا، موقت، زودگذر

۱۰. گزینه «۲» سخت

« در سال ۱۷۸۴ اولین بار بنجامین فرانکلین، صرفه جویی در زمان نور روز (تغییر ساعت تابستانی) را به عنوان وسیله‌ای برای کاهش مصرف شمع پیشنهاد کرد. »

(۱) of (۲) on (۳) for (۴) in